

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين الصلوة و السلام على خاتم الأنبياء و المرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقية الله في الارضين و العن على أعدائهم اجمعين..

خداوند را شکر می کنیم که توفیق اشتغالات علمی مخصوصاً فقه اهل بیت (علیهم السلام) را به ما عنایت فرموده ، امسال در شروع سال تحصیلی با توفیق پروردگار بحث ما در کتاب صوم خواهد بود. کتاب صوم در عروة ۱۵ فصل می باشد که ما به ترتیب عروة ان شاء الله بحث می کنیم ، منتهی بنده برای اینکه گامی در راه از بین بردن تشمت در کشورهای اسلامی در سرتاسر جهان که در مسئله اول ماه وجود دارد برداشته باشیم، ابتدا مسئله رؤیت هلال را مطرح می کنیم و درباره آن بحث می کنیم. بعداً توضیح خواهیم داد که هر ماه، با تشکل ماه به شکل هلال آغاز می شود یعنی بعد از اینکه ماه از تحت الشعاع واز محاق خارج می شود متشکل می شود به شکل یک داس یا کمان ، به تعبیر قرآن کالعرجون القديم: یعنی خوشه خشک خرما که این همان آغاز ماه است که در هر ماه تکرار می شود و یک واقع محفوظی دارد. آیا با دلائل و آلات و ابزاری که امروزه بوجود آمده همه می توانند به آن پی ببرند؟ اگر بتوانند که حتماً می توانند، اگر تشریک مساعی بشود و ترتیب و تدبیری اتخاذ بشود همه می توانند به تشکل ماه به شکل هلال و آغاز ماه پی ببرند ، و بعداً بحث می کنیم که اختلاف افق هم در آن مؤثر نیست یعنی چه ما ببینیم وجه نبینیم در هر کجای دنیا که باشیم برای ما اول ماه است. صاحب عروة مسئله رؤیت ماه را در مسئله ۴ از فصل ۱۲ عروة مطرح کرده ولی ما به دلیل اهمیت مطلب آن را جلو انداختیم . ما از فضلا و علمای حاضر در مجلس و غیر این مجلس تقاضا می کنیم که در این مسئله دقت بیشتری بکنند، آراء و دلائل خودشان را ذکر کنند و در اختیار دیگران قرار بدهند تا افراد نخبه و دقیق مطالعه کنند بلکه گامی باشد در راه ایجاد اتحاد و رفع تشمت و بنده معتقدم

این مسئله اگر امروز عملی نشود فردا عملی خواهد شد چون پیشرفت زمان با در اختیار قرار دادن دلائل و آلات و ابزار بالاخره این کار را خواهد کرد، چند مطلب را مقدمتاً باید عرض کنیم ، مطلب اول این است که اندازه گیری زمان در زندگی بشر بسیار مهم و نقش آفرین است ، چون انسان به دو چیز جداً محتاج است یعنی لازمه وجود انسان است یکی زمان و دیگری مکان، چرا که جسم و جسمانیات بالاخره به زمان و مکان محتاجند ، که ما به مکان کاری نداریم و فعلاً بحثمان برسر زمان است. بشر از آغاز در فکر این بوده که زمان را اندازه گیری کند و در فکر این بوده که وقت را بفهمد و این فکر با مشاهده شب و روز شروع شد. نکته ای را باید عرض کنم و آن اینکه خداوند حتی به حیوانات هم مسئله زمان را تعلیم کرده است یعنی حیوانات زمانها را می شناسند و درک زمان در وجود آنها قرار داده شده مثلاً پرنده هایی که روی تخم خودشان می خوابند تا جوجه در بیاورند انواع مختلفی دارند که هر کدام مدت معینی روی تخمشان می خوابند تا آن جوجه از تخم بیرون بیاید و یا مثلاً رحلت و کوچ کردن حیوانات که در تابستان کجا بروند و در زمستان کجا. انسان چون در سایه عقل گام برمی دارد باید با عقل و فکر زمان را بشناسد از این جهت به فکر شناخت زمان افتاد، خورشید و ماه برای انسان در این شناخت نقش مؤثری داشتند. اولین گام در شناخت زمان برای انسان ها این بود که از طلوع و غروب خورشید به وجود شب و روز پی بردند و بعد کم کم پی بردند به این که درست است که در نتیجه طلوع و غروب خورشید شب و روز پشت سر هم بوجود می آید ولی همه روزها و شبها با هم مساوی نیستند ؛ خلاصه دیدند که در یک فصلی از سال بهار است و شکفتن گلها و زنده شدن زمین و جوشیدن چشمه ها و امثال اینها، بعد از مدتی دیدند که هوا گرم تر شد و تابستانی بوجود آمد و چند مدت هم به این ترتیب گذشت تا اینکه بعد از آن دیدند که پائیزی بوجود آمد و تفاوتی در سطح زمین پدیدار شد، و بعد از آن دیدند که زمستان بوجود آمد و هوا سردتر شد و برف و باران ... و بعداً دیدند که دوباره به همین صورت تکرار شد، فلذا از تکرار فصول چهارگانه به وجود سال پی بردند، اما در عین حال هنوز ماه را نشناخته بودند و آن را تنظیم نکرده بودند بعد از شناخت شب

وروز و فصول چهارگانه وسال ، دیدند که یک چیز دیگری هم در عالم وجود دارد و آن اینکه وقتی که به افق نگاه می کنند گاهی اوقات یک چیزی به شکل داس نمایان می شود و کم کم حرکت می کند تبدیل به نیم دایره می شود و بعد تبدیل به یک دایره کامل می شود و بعد دوباره به شکل نیم دایره در می آید و همین طور لاغرتر می شود تا اینکه از دیده پنهان می شود و بعد از اینکه از دیده پنهان شد دوباره به شکل یک داس نمایان می شود و همین طور این قضیه تکرار می شود، بعد حساب کردند و دیدند که این اتفاقات در طول ۳۰ روز انجام می پذیرد و در طول سال ۱۲ مرتبه تکرار می شوند فلذا با دیدن این اتفاقات به وجود ماهها پی بردند بعلاوه دیدند که این ماه ۴ قسمت است اول از لاغر بودن به سمت چاقی می رود و نیم دایره می شود (تربیع اول) که هفت روز طول می کشد و و بعد از تربیع اول به سمت بدر (دایره کامل) می رود که باز یک هفته طول می کشد و دوباره از بدر تا تربیع ثانی نیم دایره می شود که این هم یک هفته طول می کشد و باز به طرف محاق می رود که این هم یک هفته طول می کشد، پس از اینجا به وجود هفته بی بردند ، بنابراین هم به شب و روز وهم به سال وهم به ماه وهم به اینکه سال ۱۲ ماه است پی بردند و همچنین به این نکته پی بردند که ماه ۴ هفته می باشد یعنی به وجود هفته پی بردند. مطالبی که بیان شد یک مسئله تکوینی است که بشر با فکر خودش به آنها پی برده است. حالا ببینیم آیات قرآن در این زمینه چه می گویند، در سوره الرحمن آیه ۵ آمده است که: الشمس والقمر بحسبان: یعنی شمس و قمر با حساب معینی گردش می کنند. در آیه ۹۶ سوره انعام آمده است: فالتق الإصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم: خداوند شکافته صبح است، و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است، این اندازه گیری خداوند توانای داناست. مطالب دیگری نیز درباره ماه وجود دارد که مورد بحث ما واقع می شود، یکی از آنها مسئله تعداد ماه هاست که در ضمن آیه ۳۶ سوره توبه به آن اشاره شده است: إن عدة الشهور عند الله إثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض...إلى آخره: تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روزی که آسمانها وزمین را آفریده، دوازده ماه است. خوب در دو جای

قرآن کریم هم خداوند متعال مسئله منازل قمر را بیان فرموده اند، اول سوره یونس آیه ۵: هو الذي جعل الشمس ضياءً والقمر نوراً وقدره المنازل لتعلموا عدد السنين والحساب ما خلق الله ذلك إلا بالحق يفصل الآيات لقوم يعلمون: خداوند کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاههایی مقدر کرد ، تا عدد سالها و حساب کارها را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات خود را برای گروهی که اهل دانشند شرح می دهد. فرق بین ضیاء و نور آن است که ضیاء یعنی روشنایی ولی نور را درجایی می گویند که از چیز دیگری روشنایش بوجود آمده است، قمر خودش نور ندارد و یک کره تاریکی است که از خورشید نور می گیرد ولی خورشید خودش روشن است و به غیر خودش هم نور می دهد. شاهد بحث ما در این قسمت از آیه می باشد که: وقدره منازل: خداوند می فرماید برای ماه منازلی معین کرده ایم لتعلم السنين والحساب: تا شما تعداد سالها و ماه ها و حتی هفته ها را بدانید. دوم در سوره یس آیه ۳۹: والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم: و برای ماه منزلگاهی قرار دادیم ، که سرانجام به صورت شاخه خشک درخت خرما در می آید ، پس در ۲ جای قرآن برای ماه منازلی ذکر می کند. علمای علم هیئت قدیم معتقد بوده اند که خورشید دور زمین می چرخد و زمین را مرکز عالم می دانستند و می گفتند تمام افلاک به دور زمین می چرخد ، اما بعداً کم کم ثابت شد که این طور نیست و زمین مرکز عالم نیست بلکه یکی از سیاراتی است که به دور خورشید می چرخد، عطارد ، زهره و بعد زمین سومین سیاره ای است که به دور خورشید می چرخد و بعد مریخ و مشتری و زحل و اورانوس و نپتون و پروتون سیاراتی هستند که به دور خورشید می چرخند، و در مسائلی هم که ما عرض می کنیم و درباره آنها بحث می کنیم فرقی نمی کند که خورشید به گرد زمین می چرخد یا بالعکس . ما معتقدیم که باید در حوزه علمیه قم ، که سابقاً هم در حوزه ها مرسوم بوده، درس هیئت یکی از درسهای حوزوی باشد، چون فقه ما همچنان که گاهی با ریاضیات توأم است، در بحث قبله و اوقات و هلال ماه و... نیز با علم هیئت سروکار دارد، چرا که علم فقه یک علمی است که در تمام ابعاد زندگی انسان نقش دارد و وظیفه معین می کند. بنده یک کتابی تألیف کرده ام و در اولش

یک حدیثی نوشته ام از قول امام رضا (علیه السلام) : من لم يعرف الهيئة والتشريح فهو عنین فی معرفة الله: هر کس علم هیئت را ندارند و علم تشریح را ندارند در شناخت خداوند عنین است یعنی ناقص است و کامل نیست، پس این دو علم برای شناخت خداوند راه بسیار روشنی را ارائه می کنند. خوب ما ناچاریم در بحثمان تا حدودی علم هیئت را بیان کنیم چون ائمه (علیهم السلام) تا این حد بر علم هیئت صحه گذاشته اند و به آن اشاره کرده اند. صاحب وسائل درص ۸۰ از جلد ۱۴ وسائل الشیعه ۲۰ جلدی بابی را با این عنوان منعقد کرده: باب کراهة التزویج والقمر فی العقرب و فی محاق الشهر: در دو موقع است که تزویج در آنها کراهت دارد یکی وقتی که قمر در عقرب است و دیگری آخر شهر که ماه در محاق می باشد. سه روایت در این باب ذکر شده، خبر اول: عن ابی عبدالله (علیه السلام): من تزوج إمرأة والقمر فی العقرب لم یر الحسنی: یستفاد از این خبر که ائمه (علیهم السلام) این بروج دوازده گانه را که نام بردیم: (حمل ثور جوزا و سرطان اسد سنبله و میزان عقرب قوس و جدی و دلو و حوت) واصطلاحات علم هیئت و این نامگذاریها و تقسیم بندیها را قبول فرموده اند. در خبر دوم باب آمده است: کسی که تزویج کند در حالی که ماه در محاق باشد لم یر الحسنی. در خبر سوم هم اینطور آمده: عن عبدالعظیم الحسنی: که تقریباً با ۷ واسطه نسبش به حضرت مجتبی (علیه السلام) می رسد، عن علی بن محمد العسکری عن آبائه فی حدیث قال: من تزوج والقمر فی العقرب لم یر الحسنی وقال من تزوج فی محاق الشهر فالیسلم لسقط الولد. باز در عروة در اوایل کتاب نکاح مسئله ۶ آمده است که: یکره عند التزویج امور منها ایقاع العقد والقمر فی العقرب ای فی برجها...إلی آخره. حالا با توجه به مطالب مذکور ما ناچاریم ماه و حالات و خصوصیاتش را بشناسیم تا بعد بفهمیم که هلال ماه چه وقتی بوجود می آید. بقیه اش بماند برای فردا. ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

